



A Review on the Mitigation of Damages in Common Law Through the Principle of 'Iqdām' in Islamic Jurisprudence

Ehsan Rafiei Alavi¹ ; Seyyed Ali Sajjadi²; Mohammad reza Jaafari³

1. Associate Professor of Political Jurisprudence Department, Baqir-ul-Ulum University and President of Baqir-ul-Ulum University, Qom, Iran. (Corresponding Author). rafiealavy272@gmail.com; <https://orcid.org/0000-0002-7342-1944>

2. Student at Qom Seminary and Master's degree student in International Commercial and Economic Law, University of Tehran; Tehran, Iran.

3. Master's degree student in private law, University of Tehran, Iran.

Article Info	ABSTRACT
Article Type: Research Article Article History: <i>Received</i> 25 January 2025 <i>Received in revised form</i> 10 May 2025 <i>Accepted</i> 11 May 2025 Keywords: Mitigation of Damages in Common Law, Principle of Iqdām in Jurisprudence, Damages Compensation.	The rule of mitigation of damages constitutes a fundamental principle within the common law framework, imposing a duty upon the injured party to undertake reasonable measures aimed at preventing the exacerbation of losses incurred. This rule bars recovery for damages that could have been reasonably avoided. The lack of explicit legislative endorsement of this rule in Iranian law has generated interpretive challenges for judges in relying upon it, thereby prompting them to seek analogous foundations within domestic legal sources, particularly Islamic jurisprudence. Using a relatively comparative and analytical approach, this study while introducing the principle of 'mitigation of damages' alongside the 'principle of Iqdām', explains their practical applications through selected examples drawn from foreign court decisions, Islamic jurisprudential rulings, and legal articles within both legal systems.
Cite this article:	Rafiei Alavi E. (2025). "A Review on the Mitigation of Damages in Common Law Through the Principle of 'Iqdām' in Islamic Jurisprudence". <i>Journal of Islamic Law and Jurisprudence</i>; 39(2); 95-122.



© The Author(s).

Publisher: Islamic Propagation Office of Qom Seminary- Khorāsān-e-Razavi Branch. DOI: <https://doi.org/10.22034/jrj.2025.70598.2926>

The findings of this study indicate that the principle of *lqdam* in Islamic jurisprudence, relying on the principle of individual responsibility for the results of his/her actions, can serve as a robust basis for the acceptance and application of the mitigation of damages rule within Iranian law. This alignment enables judges to invoke the mitigation of damages rule even in the absence of explicit statutory provisions, thereby significantly contributing to the development and modernization of the national judicial practice.

بازیابی تقلیل خسارت در حقوق کامن لا، از طریق قاعده اقدام در فقه اسلامی^۱

۱. سیداحسان رفیعی علوی ؛ ۲. سیدعلی سجادی؛ ۳. محمدرضا جعفری

۱. مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم و دانشیار گروه فقه سیاسی دانشگاه باقر العلوم و رئیس دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم. ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: rafiealavy272@gmail.com ; 2476-7565-0000-0002-1944: https://orcid.org
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجاری اقتصادی بین المللی دانشگاه تهران؛ تهران. ایران.

رایانامه: seyedali.sajjadi@ut.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران. ایران. رایانامه: mr.jafari78@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱



بازیابی تقلیل
خسارت در حقوق
کامن لا، از طریق
قاعده اقدام در فقه
اسلامی
۹۷

چکیده

قاعده تقلیل خسارت، مفهومی بنیادین در نظام حقوقی کامن لا است که زیان دیده را موظف می سازد، اقدامات معقولی برای جلوگیری از افزایش خسارت انجام می دهد و مانع جبران خسارات قابل اجتناب می شود. در حقوق ایران، به دلیل فقدان تصریح قانونی در این زمینه، قضات در استناد به این قاعده با چالش هایی مواجه هستند و ناگزیر به جست و جوی مبانی مشابه در حقوق داخلی، به ویژه فقه اسلامی، روی می آورند. این پژوهش با رویکردی تطبیقی و تحلیلی، ضمن معرفی قاعده تقلیل خسارت و قاعده

۱. رفیعی علوی، سیداحسان و دیگران (۱۴۰۴). «بازیابی تقلیل خسارت در حقوق کامن لا، از طریق قاعده اقدام در فقه اسلامی». جستارهای فقهی و اصولی، ۱۱(۲): ۹۵-۱۲۲.



 https://doi.org/10.22034/jrj.2025.70598.2926

ناشر: مرکز تخصصی آخوند خراسانی دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی. © نویسندگان

اقدام، موارد کاربرد آن‌ها را با ذکر نمونه‌هایی از آرای دادگاه‌های خارجی، منابع فقهی و مواد قانونی در هر دو نظام حقوقی بررسی می‌کند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد قاعده اقدام در فقه اسلامی که بر اصل مسئولیت فرد در قبال نتایج اعمال خویش استوار است، می‌تواند مبنای محکمی برای پذیرش و اجرای قاعده تقلیل خسارت در حقوق ایران فراهم آورد. این هم‌خوانی به قضات اجازه می‌دهد حتی در غیاب نص قانونی، به قاعده تقلیل خسارت استناد کنند و در نتیجه، به تقویت و روزآمدسازی رویه قضایی کشور یاری رسانند.

کلید واژه‌ها: تقلیل خسارت در کامن‌لا، قاعده اقدام در فقه، جبران خسارت.

مقدمه

استناد به برخی از قواعد حقوق کامن‌لا، مانند قاعده حسن نیت، در دادگاه‌های داخلی با موانعی روبه‌رو است؛ زیرا این دسته از قواعد در منابع اصلی حقوق ایران وجود ندارد. تنها می‌توان به شمار اندکی از آرا اشاره کرد که بر اساس چنین قواعدی صادر شده‌اند؛ مانند رأی شماره ۹۹۰۹۹۷۱۵۱۱۶۶۰۰۵۷۷ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۱ که آن نیز در کنار دلایل معتبر دیگر مورد استناد قرار گرفته است.

در مواجهه با این قواعد، دیدگاه‌ها متفاوت است: گروهی بر این باورند که باید این قواعد، به هر شکل ممکن، وارد حقوق داخلی شوند و آرا دادگاه‌ها نیز به استناد آن‌ها صادر گردد. در مقابل، عده‌ای وجود چنین قواعدی را در نظام حقوقی ایران ضروری نمی‌دانند. به نظر ایشان، این قواعد یا بر اساس نیازها و ضرورت‌های خاص جوامع خارجی پدید آمده‌اند که مشخص نیست همان ضرورت در ایران نیز وجود داشته باشد، یا اینکه ریشه و مبنای آن‌ها در قواعد داخلی قابل شناسایی است (ذیحی، ۱۴۰۱، ۱۲۱-۱۲۵). در چنین شرایطی، آرا را می‌توان به استناد همین قواعد داخلی صادر کرد. اگر بتوان قاعده خارجی را با قاعده‌ای داخلی تطبیق داد، دیگر نیازی به استناد مستقیم به آن قاعده خارجی نخواهد بود؛ حتی اگر استناد هم صورت گیرد، اشکالی پیش نمی‌آید؛ زیرا مبنا و اساس قاعده خارجی، در واقع قاعده‌ای داخلی است.

با این حال، مسئله مهم آنجاست که گاهی دامنه و آثار قاعده خارجی با قاعده

جستارهای
فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۳۹
۱۴۰۴

۹۸

داخلی تفاوت دارد. در چنین مواردی، استناد به قاعده خارجی ضرورت پیدا می کند. یکی از قواعد حقوق کامن لا «قاعده تقلیل خسارت» است. در شرایط کنونی، استناد مستقیم به این قاعده در دادگاه های ایران وجاهت قانونی ندارد. با این حال، این پرسش مطرح می شود که آیا دادگاه ها می توانند در موارد اجرای این قاعده، حکم آن را بر اساس قواعد داخلی صادر کنند؟ آیا می توان مضمون و مفهوم این قاعده را در قالب قاعده ای داخلی شناسایی و با آن تطبیق داد؟ و آیا می توان به جای استناد مستقیم، به شکل غیرمستقیم به آن تمسک جست؟

در فقه اسلامی و به تبع آن در حقوق ایران، قاعده ای شناخته شده به نام «قاعده اقدام» وجود دارد. اگر این قاعده با قاعده تقلیل خسارت در کامن لا مقایسه شود و هم پوشانی ها و مشابهت های آن ها آشکار گردد - به ویژه با توجه به نمونه ها و ردپاهایی که از هر یک در نظام حقوقی مقابل قابل مشاهده است - امکان استناد مستقیم به قاعده تقلیل خسارت نیز فراهم خواهد شد. از این رهگذر، دادگاه ها می توانند در آرا خود از آثار عملی این قاعده بهره مند شوند.

پیشینه این پژوهش نشان می دهد که تاکنون جستارهای متعددی با موضوع «قاعده تقلیل خسارت» نگاشته شده است؛ از جمله «شرایط و موانع اعمال قاعده تقلیل خسارت» اثر دکتر ابراهیم شعاریان ستاری و مقالات دیگری با عناوینی چون «الزام زیان دیده به تقلیل خسارت» و «مطالعه تطبیقی تقلیل خسارت و مسئولیت ناشی از جبران آن در حقوق ایران و انگلیس». علاوه بر این، این بحث در قالب عنوان های متفاوت دیگری نیز مورد بررسی قرار گرفته است، مانند «بررسی قاعده مقابله با خسارت» و «جلوگیری از خسارت».

در حوزه حقوق خارجی - که خاستگاه اصلی این قاعده به شمار می رود - نیز کتاب ها و مقالات متعددی تألیف شده است. همین منابع، در بسیاری از موارد، مبنای نگارش پژوهش های داخلی قرار گرفته اند.

از سوی دیگر، جستارهای متعددی درباره «قاعده اقدام» نگاشته شده است که شمار آن ها کم نیست. با این حال، مطالعه تطبیقی این دو قاعده به صورت مفصل و در قالب پژوهشی مستقل، تاکنون انجام نگرفته است. در پژوهش های موجود نیز

عمدتاً تنها به تحلیل و واکاوی هر یک از این قواعد به صورت جداگانه پرداخته شده و مسئله اصلی، یعنی رفع مانع استناد دادگاه‌ها به چنین قواعدی، همچنان بی‌پاسخ مانده است.

بیشتر نویسندگان صرفاً به بررسی قاعدهٔ تقلیل خسارت پرداخته‌اند؛ اما پیوند و نسبت آن با قاعدهٔ اقدام، آن گونه که شایسته است، مورد توجه قرار نگرفته است. این در حالی است که روشن‌سازی این ارتباط می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در تبیین جایگاه قاعدهٔ تقلیل خسارت در نظام حقوقی ایران داشته و زمینهٔ تثبیت و کاربرست آن را فراهم آورد.

این جستار بر آن است تا با گردآوری و پردازش مطالب، بهره‌گیری از مطالعات پیشین و تأملی ژرف دربارهٔ دو قاعدهٔ یادشده، افق‌های تازه‌ای بگشاید و مانعی را که دادگاه‌ها در استناد به برخی قواعد خارجی - در این پژوهش به‌ویژه قاعدهٔ تقلیل خسارت - با آن روبه‌رو هستند، برطرف سازد.

بر این اساس، ابتدا به تعریف و بیان نمونه‌هایی از هر دو قاعده پرداخته می‌شود. سپس ارکان آن‌ها مورد مقایسه قرار می‌گیرد تا میزان هم‌پوشانی و شباهت‌ها روشن گردد. در پایان نیز، جایگاه و کاربرست هر یک از این دو قاعده در نظام حقوقی مقابل بررسی خواهد شد تا امکان اعمال آن‌ها - به‌ویژه قاعدهٔ تقلیل خسارت در حقوق ایران - بیش از پیش محرز و قابل اثبات گردد.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۳۹
۱۴۰۴

۱۰۰

۱. قاعدهٔ تقلیل خسارت در حقوق کامن‌لا

۱/۱. مفهوم قاعدهٔ تقلیل خسارت

«قاعدهٔ تقلیل خسارت»^۱ در حقوق کامن‌لا اصولاً بدین معناست که زیان‌دیده موظف است پس از وقوع خسارت، اقدامات معقول و متعارفی را برای کاهش یا جلوگیری از گسترش آن انجام دهد. در صورت خودداری از این اقدامات، زیان‌دیده نمی‌تواند خساراتی را که قابل پیشگیری بوده‌اند از طرف مقابل مطالبه کند. این

1 . Mitigation of Damages.

قاعده معمولاً برای تحدید میزان خسارت قابل جبران در موارد نقض قرارداد به کار می‌رود (Chitty, 2023, 4081). هرچند منحصر به آن نیست و در خصوص خسارات قهری نیز قابلیت اجرا دارد (Rogers, 1995, 664).

این قاعده گاه با عنوان «قاعده پیامدهای قابل اجتناب»^۱ نیز شناخته می‌شود و در حوزه‌های مختلف حقوقی از جمله قراردادها، مسئولیت مدنی و حقوق مالکیت به کار گرفته می‌شود (Mason Hayes Curran 2025). به عنوان نمونه، در حقوق قراردادها، اگر یکی از طرفین اعلام کند که قصد انجام تعهد خود را ندارد، طرف مقابل مکلف است با اقدامات معقول از بروز زیان بیشتر جلوگیری کند. در همین راستا، در پرونده شرکت پل سازی لوتن علیه شهرستان راکینگهام، دادگاه مقرر داشت که پیمانکار نمی‌تواند پس از اطلاع از فسخ قرارداد، همچنان به اجرای آن ادامه دهد، خسارات بیشتری ایجاد کند و سپس همه خسارات را مطالبه نماید (Legal Information Institute 2020).

۱/۲. نمونه‌هایی از جریان قاعده تقلیل خسارت در حقوق کامن لا

در رویه قضایی، دادگاه ناحیه‌ای جنوب نیویورک حکم داده است که خواهان، در دعوی جبران خسارت علیه پیمانکار ساختمانی، موظف است تمام «اقدامات معقول» را برای کاهش خسارات خود انجام دهد. دادگاه تصریح کرده است که این تقلیل خسارت شامل «تعمیر یا جایگزینی وسایل آسیب‌دیده تا حدی که از نظر اقتصادی معقول باشد» نیز می‌شود (Decker v. Turner Construction Co).

همچنین، در پرونده دیگری، دیوان عالی ایالات متحده مقرر داشت که خواهان در دعوی جبران خسارت مکلف است «تلاش معقول» برای تقلیل خسارات خود به عمل آورد.

دادگاه تصریح کرد که تعهد خواهان به تقلیل خسارت مستلزم اقداماتی است که از نظر اقتصادی معقول بوده و در شرایط خاص هر پرونده قابلیت اجرا داشته باشد (BNSF Railway Co. v. Tyco Fire & Protection Products). همچنین در پرونده‌ای دیگر،

بازیابی تقلیل
خسارت در حقوق
کامن لا، از طریق
قاعده اقدام در فقه
اسلامی
۱۰۱

1 . Doctrine of Avoidable Consequences.

دادگاه تجدیدنظر حوزه دی. سی اعلام داشت که این تعهد ماهیتی انعطاف‌پذیر دارد و وابسته به حقایق و شرایط ویژه هر پرونده است. دادگاه در عین حال تأکید کرد که این تکلیف مطلق نیست؛ به گونه‌ای که خواهان ملزم به انجام اقداماتی غیر معقول یا ناممکن نخواهد بود (Made in the USA Foundation v. U.S. Department of Commerce). با این همه دادگاه‌ها در مواردی که خواهان به‌طور آشکار و غیر منطقی از انجام هرگونه اقدام برای تقلیل خسارت خودداری کند، یا اقداماتی که انجام داده به وضوح ناکافی باشد، وی را در میزان خسارت مستحق جریمه یا محدودیت خواهند دانست.

۱/۳. مبانی قاعده تقلیل خسارت

قاعده تقلیل خسارت در حقوق کامن‌لا، ریشه در اصول کلی عدالت، عقلانیت و مسئولیت‌پذیری دارد (Smith, 2020, 124). برخی از مبانی این قاعده در حقوق کامن‌لا، بصورت مختصر توضیح داده می‌شود:

۱/۳/۱. انصاف و عدم بهره‌برداری ناعادلانه

زیان‌دیده نباید صرفاً نظاره‌گر افزایش خسارت باشد و سپس تمام آن را مطالبه کند؛ زیرا این رفتار ناعادلانه است و به‌نوعی امکان سوءاستفاده از وضعیت ایجادشده را برای وی فراهم می‌کند. قاعده تقلیل خسارت با هدف جلوگیری از چنین سوءاستفاده‌ای وضع شده است. در صورتی که زیان‌دیده بتواند بخشی از خسارت را با اقدامات منطقی کاهش دهد، اما عمداً یا از روی سهل‌انگاری از انجام آن خودداری کند، نمی‌تواند آن بخش از ضرر را از عامل زیان مطالبه کند.

به‌عنوان نمونه، در پرونده شرکت برق و تولید بریتیش وستینگ‌هاوس علیه شرکت راه‌آهن برقی زیرزمینی، لرد هال‌دین تصریح کرد که زیان‌دیده موظف است ((اقدامات معقول برای کاهش زیان)) انجام دهد (British Westinghouse Electric and Manufacturing Co Ltd v Underground Electric Railways Co of London Ltd, 1912).

۱/۳/۲. رفتار معقول

رفتار شخص باید همانند رفتار فردی معقول و منطقی باشد؛ به این معنا که همان

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۳۹
۱۴۰۴

۱۰۲

اقدامی را انجام دهد که یک فرد منطقی در شرایط مشابه انجام می‌دهد. در پرونده پیزو علیه ساندرز، دادگاه تأکید کرد که خواهان نمی‌تواند به دلیل نقض قرارداد، تمام خسارت را مطالبه کند، در حالی که راه حل ساده و ارزانی برای کاهش خسارت در اختیار داشته است؛ اما آن را نپذیرفته است (Payzu Ltd v Saunders, 1919).

۱/۳/۳. حسن نیت

حسن نیت یکی دیگر از مبانی مهم قاعده تقلیل خسارت است. این اصل، به عنوان معیاری اخلاقی و حقوقی، ایجاب می‌کند که طرفین یک رابطه حقوقی - به ویژه زیان دیده - با صداقت و نیت خیر عمل کنند (Al-Kaabi, LexisNexis 2025). بر این اساس، زیان دیده موظف است اقدامات لازم برای کاهش خسارت را انجام دهد؛ در غیر این صورت، رفتار او فاقد حسن نیت بوده و مستحق دریافت جبران خسارت نخواهد بود.

۱/۳/۴. مبنای اقتصادی و کارایی

در نظام حقوق کامن لا، به ویژه در حقوق انگلیس، مبنای اقتصادی و کارایی اقتصادی عامل اصلی گسترش و پذیرش قاعده تقلیل خسارت است. این قاعده زیان دیده را موظف می‌کند که با انجام اقدامات معقول، از افزایش هزینه های ناشی از خسارت جلوگیری کند و بدین ترتیب، مجموع هزینه های جبران خسارت کاهش یابد. اهمیت این مبنا به ویژه در تجارت بین الملل و قراردادهای تجاری برجسته است (Al-Kaabi, 2004, 197-230).

۱/۳/۵. قاعده اقدام

در حقوق اسلام نیز قاعده اقدام وجود دارد که بر اساس آن، زیان دیده موظف است برای کاهش خسارت، اقدام کند. این قاعده به عنوان یکی از مبانی قابل استناد برای قاعده تقلیل خسارت در مطالعات حقوق تطبیقی شناخته می‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۱، ۴۵). با این حال، برخی فقیهان بر این باورند که پیش تر و مقدم بر قاعده اقدام، اصل عدم استناد خسارت جدید به غیر مالک می‌تواند توجیه کننده تقلیل خسارت باشد و در این صورت نیازی به قاعده اقدام نیست (علیدوست و بای، ۱۳۹۱، ۶۹).

بازیابی تقلیل
خسارت در حقوق
کامن لا، از طریق
قاعده اقدام در فقه
اسلامی
۱۰۳

۱/۴. منابع قاعدهٔ تقلیل خسارت

قاعدهٔ تقلیل خسارت ریشه در نظام حقوق کامن لا دارد و در کشورهای مختلف پذیرفته شده است. در حقوق ایران، صراحتاً قاعده‌ای تحت عنوان «تقلیل خسارت» پیش‌بینی نشده است؛ اما آثار و نشانه‌هایی از آن در برخی قوانین، مانند مادهٔ ۱۵ قانون بیمه و تبصرهٔ مادهٔ ۳۵۵ قانون مجازات اسلامی سابق، دیده می‌شود که زیان‌دیده را موظف به اقدام برای جلوگیری از گسترش خسارت می‌داند.

علاوه بر این، در حقوق بین‌الملل و قراردادهای تجاری، قواعد مشابهی وجود دارد که بر کاهش خسارت تأکید می‌کنند و در اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد قراردادهای فروش بین‌المللی کالا^۱ و اصول UNIDROIT نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند (شعاریان، ۱۳۹۰، ۱۴۳).

این قاعده به‌طور گسترده در حقوق آمریکا، انگلستان، ایرلند و سایر کشورهای کامن لا پذیرفته شده و در قوانین و رویه‌های قضایی آن‌ها به کار می‌رود (Farrer & Co, 2021). همچنین، در مقالات حقوقی خارجی و تحلیل‌های قضایی، مبانی و چارچوب‌های این قاعده به‌طور مفصل تشریح شده است (Goetz, & Scott, 1983, 11).

جستارهای
فقهی و اصولی
سال یازدهم، شماره پیاپی ۳۹
۱۴۰۴

۱۰۴

۱/۵. مهم‌ترین اثر قاعدهٔ تقلیل خسارت

تحدید میزان مسئولیت: زیان‌دیده تنها می‌تواند خساراتی را مطالبه کند که با وجود تلاش معقول برای کاهش ضرر، غیرقابل اجتناب بوده‌اند. در پروندهٔ شرکت پل سازی لوتن علیه شهرستان راکینگهام، پیمانکار پس از اطلاع از فسخ قرارداد توسط راکینگهام، به ساخت پل ادامه داد. دادگاه حکم داد که پیمانکار نمی‌تواند خسارات ناشی از ادامهٔ ساخت را مطالبه کند؛ زیرا موظف بود فعالیت خود را متوقف نماید. همچنین، خسارات معمولاً بر اساس «تفاوت بین وضعیت فعلی زیان‌دیده و وضعیتی که در صورت اقدام به کاهش خسارت ایجاد می‌شد» محاسبه می‌شوند. به‌عنوان مثال، اگر مستأجری قرارداد اجاره را نقض کند، موجر موظف است با

1. CISG.

تلاش معقول، مستأجر جدیدی بیابد. در صورتی که موجر این اقدام را انجام ندهد، نمی‌تواند تمامی خسارات ناشی از اجاره بدون استفاده را مطالبه کند.

۲. قاعده اقدام در فقه اسلامی

از نظر برخی، قاعده اقدام از بداهت عرفی و عقلی برخوردار است و همین امر موجب کم‌گویی درباره آن شده است (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۲، ۳۳۱). در کتب قواعد فقهی، اقدام تحت دو عنوان مورد بحث قرار می‌گیرد: یکی اقدام به زیان و دیگری اقدام به ضمان. آنچه در این پژوهش مورد توجه است، اقدام به زیان است؛ بدین معنا که: «هرگاه شخصی با آگاهی و توجه، عملی را انجام دهد که موجب ورود زیان به او گردد، اگر واردکننده زیان شخص دیگری باشد، مسئول خسارت نخواهد بود» (محقق داماد، ۱۳۸۱، ۴۷). استاد جعفری لنگرودی نیز آورده است: «در فقه، قاعده اقدام، اقدام مالک مال به ضرر خود در رابطه با مالکیت اوست» (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۲، ۳۳۳). آنچه در این تعاریف آمده است، برخی مصادیق را شامل نمی‌شود؛ زیرا مالکیت تنها بخشی از حقوق را در بر می‌گیرد و تمام حقوق را شامل نمی‌شود. در مواردی که مصادیق قاعده اقدام به دیگر حقوق مربوط باشد، این قاعده همچنان جاری است.

به عنوان مثال، اگر دادخواستی به خواننده ابلاغ واقعی شود؛ اما او علی‌رغم اطلاع و امکان حضور، در جلسه دادگاه حاضر نشود، حکم صادره حضوری خواهد بود و امکان واخواهی برای خواننده وجود ندارد؛ زیرا خواننده با عدم حضور خود، علیه خویش اقدام کرده است. بر این اساس، می‌توان تعریف جامع این قاعده را چنین بیان کرد: «اقدام زیان‌بار شخص نسبت به حقوق یا اموال خود».

۱/۱. نمونه‌هایی از جریان قاعده اقدام در فقه اسلامی و حقوق داخلی

یکی از مسقطات ضمان در حقوق اسلام، قاعده اقدام است. این قاعده بدان معناست که هرگاه شخص به ضرر خود اقدام کند، در مورد اقدام وی شخص دیگری مسئول نخواهد بود. به عنوان نمونه:

• اگر مشتری با علم به اینکه بایع سمت قانونی ندارد و مالک واقعی مبیع نیست، وارد

بازیابی تقلیل
خسارت در حقوق
کامن‌لا، از طریق
قاعده اقدام در فقه
اسلامی

۱۰۵

معامله شود و پس از معامله، مالک واقعی مال را مسترد کند، مشتری آگاه حق مطالبه خسارت از بایعی که سمت قانونی نداشته، نخواهد داشت (ماده ۲۶۳ قانون مدنی ایران).
• اگر مشتری با آگاهی نسبت به عیب موجود در مبیع آن را خریداری کند، خیار عیب نخواهد داشت.

• اگر شخصی به صورت تبرعی از مدیون ضمانت کند، پس از پرداخت دین، حق رجوع به مضمون عنه را نخواهد داشت (مراغه‌ای، ۱۴۱۸ق، ۴۱۸ و ۴۹۹؛ مواد ۲۶۷ و ۴۱۷ قانون مدنی ایران).
مسئولیت و ضمان در فقه، به دلیل احترام به مالکیت خصوصی و اموال اشخاص شکل گرفته است. هرگاه مالک با طیب نفس و رضایت خود، این احترام را از مالش بردارد، دیگر حکم بر مسئولیت و ضمان منتفی است. به بیان دیگر، اگر مالک رضایت دهد که دیگری مال او را تلف کند یا آن را دچار نقص نماید، این رضایت به معنای از بین رفتن حرمت مال است و در نتیجه دیگر جایی برای مسئولیت باقی نمی‌ماند و مالک نمی‌تواند از شخص دیگر مطالبه خسارت کند (مراغه‌ای، ۱۴۱۸ق، ۴۱۸).
در این راستا، ماده ۳۳ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: «... مگر اینکه نما یا حاصل از اصله یا حبه غیر حاصل شده باشد که در این صورت درخت و محصول مال صاحب اصله یا حبه خواهد بود، حتی اگر بدون رضایت صاحب زمین کاشته شده باشد». برخی قوانین خارجی نیز تصریح کرده‌اند که اگر شخصی با وجود مخالفت مالک زمین زراعی، بذر خود را در آن بکارند، محصول متعلق به مالک زمین خواهد بود نه مالک بذر؛ زیرا مالک بذر به زیان خود اقدام کرده است (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۲، ۳۳۳). خلاصه آنکه، فقها و حقوقدانان در بسیاری از موارد به این قاعده استناد کرده و حکم به عدم ضمان داده‌اند.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۳۹
۱۴۰۴

۱۰۶

۳. مقایسه ارکان قاعده تقلیل خسارت و قاعده اقدام

۳/۱. فعل و ترک فعل

در هر دو قاعده، عمل شخص خواهان منجر به عدم جبران خسارت می‌شود. در قاعده اقدام گفته می‌شود که چون شخص خود حرمت مال یا حق خویش را حفظ نکرده و آن را ضایع کرده است، مستحق دریافت خسارت نیست. در قاعده تقلیل

خسارت نیز همین اصل صادق است؛ زیرا در صورت نقض قرارداد، اگر متعهدله اقدام مناسبی برای حفظ مال و سرمایه خود انجام ندهد، مستحق جبران خسارت نخواهد بود. با این حال، تفاوتی در جنس رفتار وجود دارد: در قاعده تقلیل خسارت، نوع رفتار ترک فعل است، یعنی عدم اقدام لازم برای جلوگیری از گسترش خسارت؛ اما در قاعده اقدام، نوع رفتار انجام فعل است، یعنی اقدام زیان‌بار نسبت به حقوق یا اموال خود. قاعده اقدام زمانی جاری می‌شود که مالک مال مرتکب فعل شده باشد. ظاهراً ترک فعل موجب جریان این قاعده نمی‌شود، یعنی مراقبت نکردن مالک از اموال خود، معمولاً سبب اعمال قاعده اقدام نیست. به عنوان مثال، اگر مالک آپارتمانی در منزل خود را قفل نکند و به مسافرت برود و در نتیجه سرقت رخ دهد و خسارت وارد شود، قاعده اقدام جاری نخواهد شد؛ زیرا خود لفظ «اقدام» مؤید وجوب وجود فعل است، نه ترک فعل.

با این حال، اگر مراد از اقدام، «اقدام به زیان» باشد، شاید بتوان برخی موارد ترک فعل را نیز مشمول این قاعده دانست؛ زیرا مراقبت نکردن از مال نیز می‌تواند به عنوان اقدام زیان‌بار تلقی شود. به هر حال نمونه‌هایی که در خصوص جریان این قاعده آورده شده، عمدتاً مربوط به ارتکاب فعل است، نه ترک فعل؛ مگر در موارد خاص. برای نمونه، بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه و عامه، اگر شخصی در آتشی که دیگری برافروخته گرفتار شود و امکان خروج از مهلکه را داشته باشد؛ اما اقدامی نکند، مسئولیتی برای فاعل زیان وجود نخواهد داشت (تبصره ماده ۳۵۵ قانون مجازات اسلامی). در مقابل، قاعده تقلیل خسارت زمانی جاری می‌شود که شخص اقدام مناسب را انجام ندهد؛ به عبارت دیگر، ترک فعل او موجب می‌شود امکان جبران خسارت از بین برود. در توضیح این قاعده آمده است: «خواهان می‌بایست تمام اقدامات معقول را جهت کاهش زیان ناشی از نقض قرارداد انجام دهد. البته لازم نیست آن دسته از اقدامات معقولی را که غیر معمول یا با هزینه گزاف همراه است، صورت دهد» (Chitty, 2023, 4081)؛ بنابراین تا اینجا روشن شد که جنس رفتار در دو قاعده متفاوت است: در قاعده اقدام، رفتار انجام فعل زیان‌بار است؛ اما در قاعده تقلیل خسارت، رفتار ترک فعل مناسب است.

در قاعدهٔ تقلیل خسارت به صراحت از انجام اقدامات معقول سخن گفته شده و یکی از ارکان اساسی این قاعده، ترک اقدامات معقول دانسته شده است (Oviedo-Albán, 2018, 2).

در قاعدهٔ اقدام، به طور صریح وجوب وجود فعل مثبت یا انجام عمل بیان نشده است، مگر در سخن برخی از نویسندگان (خویی، ۱۴۲۲ق، ۶). آنچه در قاعدهٔ اقدام اهمیت دارد این است که شخص حرمت مال خویش را از بین ببرد؛ چه با فعل مثبت و چه با ترک فعل؛ به عبارت دیگر، قاعدهٔ عرفی و عقلایی اقدام، تنها محدود به جبران خسارت در مواردی نیست که حرمت مال به وسیلهٔ مالک از بین رفته است، بلکه حتی اگر ترک فعل موجب از بین رفتن حرمت مال شود، جبران خسارت محدود خواهد شد؛ زیرا شخص با اقدام خود، عملاً باعث از بین رفتن حرمت مال خود شده است. از آنجا که فقها در مورد قاعدهٔ اقدام به تفصیل سخن نگفته و آن را بدیهی انگاشته‌اند، می‌توان گفت که این قاعده شامل موارد ترک فعل نیز می‌شود؛ زیرا بدهات آن کمتر از موارد انجام فعل نیست.

در حقوق داخلی نیز نمونه‌هایی از جریان قاعدهٔ اقدام در موارد ترک فعل وجود دارد. به عنوان مثال، مادهٔ ۱۳۱ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: «اگر شاخهٔ درخت کسی وارد فضای خانه یا زمین همسایه شود، باید آن را عطف کند و اگر نکرد، همسایه می‌تواند آن را عطف کند و در صورت عدم امکان، از حد خانهٔ خود قطع نماید و...». در اینجا، صاحب درخت با عدم عطف شاخه (ترک فعل) عملاً علیه خود اقدام کرده است و نمی‌تواند از همسایه مطالبه خسارت کند.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۳۹
۱۴۰۴

۱۰۸

۳/۲. ورود زیان به حقوق یا اموال خواهان

برای جریان قاعدهٔ اقدام، شخص باید دارندهٔ آن حق (مانند حق تجدید نظرخواهی) یا مالک آن شیء زیان دیده باشد. در تعریف برخی از این قاعده، عنصر «مالکیت» به صراحت ذکر شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ۱۹۳/۲). دیگران به صراحت از این عنصر یاد نکرده‌اند؛ اما با عباراتی مانند «اسقاط حرمت نسبت به مال خویش» وجود آن را ضروری دانسته‌اند (کرکی، ۱۴۱۴ق، ۴۸۴/۱۲)؛ بنابراین، اگر شخصی با علم و

آگاهی، مال خود را نزد کودک یا دیوانه به امانت بگذارد و مال تلف شود، مسئولیتی بر عهده کودک یا دیوانه نیست؛ زیرا آن شخص با مسلط کردن کودک یا دیوانه بر مال خود، عملاً اقدام به اتلاف مال خویش کرده است. در مورد حقوق اشخاص نیز وضع مشابه است؛ برای مثال، اگر چکی در موعد مقرر فاقد موجودی باشد و با عدم پرداخت مواجه شود، گونه‌ای نقض قرارداد رخ داده است؛ اما مسئولیت پرداخت کننده محدود به شرایط خاص است و قاعده اقدام می‌تواند در تحلیل حقوقی مورد استفاده قرار گیرد.

به عنوان مثال، اگر دارنده چک در مهلت ده روزه مقرر برای واخواهی اقدام نکند، حق رجوع به ظهنویسان را از دست می‌دهد و دیگر نمی‌تواند از خوانده یا تضمینات دیگری به جای ظهنویسان مطالبه خسارت کند؛ زیرا خواهان با عدم واخواهی در مدت مقرر، حق مراجعه به ظهنویسان را از دست خود گرفته است. به طور کلی، در مواردی که خواهان پس از نقض قرارداد توسط خوانده، اقدام مناسب را انجام نمی‌دهد و برخی از حقوق او از بین می‌رود، این وضعیت با قاعده تقلیل خسارت مرتبط است؛ بنابراین مشخص می‌شود که در قاعده تقلیل خسارت، ترک اقدامات متناسب باید منجر به زیان به حقوق یا اموال خود شخص خواهان شود، نه دیگران.

شاید تنها تفاوت کلیدی بین این دو قاعده این باشد که در قاعده اقدام، خود شخص حرمت حقوق یا اموال خود را از بین می‌برد، چه با فعل و چه با ترک فعل، در حالی که در قاعده تقلیل خسارت، شخص دیگر موجب از بین رفتن حرمت حقوق یا اموال می‌شود؛ به عبارت دیگر، در قاعده اقدام، نوعی اتلاف مستقیم رخ می‌دهد؛ ولی در قاعده تقلیل خسارت، نوعی تسبیب وجود دارد. البته همین تفاوت نیز محل مناقشه است و برخی حقوقدانان ممکن است دیدگاه‌های متفاوتی در این باره داشته باشند.

۳/۳. آگاهی نسبت به رفتار

از مهم‌ترین عناصر برای برقراری و جریان دو قاعده، وجود علم و آگاهی در شخص خواهان است (زارعی سبزواری، ۱۴۳۰ق، ۸/۱۸۵). مادام که شخص نسبت به از بین رفتن حرمت حقوق یا اموال خود ناآگاه باشد، هیچ‌یک از دو قاعده جاری نمی‌شود.

بر اساس قاعده اقدام، اگر کسی عالماً حرمت حق یا مال خویش را رعایت نکند، در صورت ورود زیان، نمی‌تواند دیگری را مسئول قلمداد کرده و از او مطالبه خسارت کند. البته در برخی موارد خاص، مانند اسلام آوردن زن کافر (در صورتی که شوهر پیش از پایان عده مسلمان نشود و در نتیجه مهر ساقط شود)، به سختی می‌توان گفت که شخص نسبت به از بین رفتن حرمت مال خویش آگاه بوده است. در صدق هر دو قاعده اقدام و تقلیل خسارت، ضرورتی ندارد که واردکننده زیان قصد ایراد زیان به خود را داشته باشد؛ علم یا جهل او به کیفیت رفتار خود نیز لازم شمرده نشده است (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۲، ۳۳۵).

تا اینجا، مقایسه عناصر اساسی قاعده اقدام و قاعده تقلیل خسارت انجام شد و مشخص شد که این دو قاعده تا حد زیادی بر یکدیگر تطابق دارند. در ادامه، به بررسی کوتاه دو عنصر اختصاصی قاعده تقلیل خسارت پرداخته می‌شود تا دامنه و محیط کاربرد این قاعده به خوبی روشن شود:

نقض تعهد و آگاهی از آن

وظیفه مقابله با خسارت، تکلیفی است که بر دوش زیان‌دیده قرار می‌گیرد و منشأ آن می‌تواند قانون یا قرارداد باشد. این وظیفه در ابتدا بر دوش زیان‌دیده بار نمی‌شود، بلکه تحقق آن منوط به این است که ابتدا تعهدی اعم از قانونی یا قراردادی نقض گردد و سپس تکلیف مقابله با خسارت برای زیان‌دیده ایجاد شود (Lando & Beale, 2000, 443-445).

در حقوق انگلیس، زیان‌دیده باید نسبت به نقض تعهد آگاه باشد تا وظیفه مقابله با خسارت بر او بار شود. حتی در مواردی که خواهان به‌طور متعارف باید از نقض تعهد مطلع می‌شد؛ اما به دلیل بی‌دقتی خویش از آن مطلع نشده است، وظیفه مقابله با خسارت تحقق نمی‌یابد (Treitel, 1990, 881). چنین حکمی منطقی و عقلایی است؛ زیرا شخص ناآگاه از نقض تعهد مکلف به کاهش خسارت نیست. البته برخی حقوق‌دانان صرف اطلاع از خطر را کافی نمی‌دانند و معتقدند آگاهی به امکان دفع ضرر و شیوه آن نیز لازم است.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۳۹
۱۴۰۴

۱۱۰

امکان مقابله با خسارت

برخی از حقوق‌دانان آمریکایی بیان داشته‌اند که وظیفهٔ تقلیل خسارت زمانی منتفی است که انجام آن برای زیان‌دیده خطرناک، تحقیرآمیز یا مستلزم هزینه‌های نامتعارف باشد (سلمان‌زاده و مسجدسرای، ۱۴۰۰، ۱۵۲)؛ به عبارت دیگر، تکلیف مقابله با خسارت نامحدود و بدون قید و شرط نیست و انجام این اقدامات نباید برای زیان‌دیده با هزینه، ریسک یا آثار مالی و معنوی نامطلوب همراه باشد. بر اساس بند یک بخش ۳-۵ مجموعه قواعد تدوین شدهٔ حقوق آمریکا (۱۹۷۹)، درخواست خسارت بابت زیان‌هایی که زیان‌دیده می‌توانسته بدون تحمل مخاطره یا مشقت نامتعارف و تحقیر ناروا از آن اجتناب کند، امکان‌پذیر نیست (سلمان‌زاده و مسجدسرای، ۱۴۰۰، ۱۵۳). ضابطهٔ اقدام متعارف، عبارت است از رفتار متعارف یک انسان متعارف در شرایط زیان‌دیده (Schlechtriem & Schwenzer, 2005, Art. 77)؛ بنابراین، ماهیت تکلیف خواهان، تعهد به وسیله است نه نتیجه.

بنابراین، هرگاه اقدام زیان‌دیده موجب افزایش ضرر شود، این امر تأثیری بر میزان خسارتی که استحقاق مطالبهٔ آن را دارد، ندارد و او حق دارد تمام زیان‌های وارده بر خود را جبران کند، حتی زیان‌هایی که در اثر اقدام خود او ایجاد شده است.

این نظر سابقه فقهی نیز دارد: بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه و عامه، هرگاه شخصی در آتشی که دیگری برافروخته گرفتار شود و امکان خروج از مهلکه را داشته باشد؛ اما اقدامی نکند، مسئولیتی بر عهدهٔ فاعل زیان وجود نخواهد داشت. همین وضعیت در مورد شخصی که دیگری را در آب دریا افکند و او با وجود توانایی، اقدامی برای نجات خود نکرده و هلاک شود نیز جاری است؛ بنابراین، مشخص شد که قاعدهٔ تقلیل خسارت نه‌تنها با قاعدهٔ اقدام مغایرت ندارد و ارکان قاعدهٔ اقدام را در خود جای داده است، بلکه با برخورداری از عناصر اضافی، شرایط اعمال قاعدهٔ اقدام را محدود می‌کند؛ به عبارت دیگر، در مواردی که شرایط اعمال قاعدهٔ تقلیل خسارت وجود داشته باشد، قاعدهٔ اقدام نیز می‌تواند جریان پیدا کند.

بازیابی تقلیل
خسارت در حقوق
کامن‌لا، از طریق
قاعدهٔ اقدام در فقه
اسلامی

۴. جریان قاعدهٔ تقلیل خسارت در فقه اسلامی و حقوق داخلی

۴/۱. روایت قاعدهٔ تقلیل خسارت در فقه اسلامی

در منابع فقهی، وظیفهٔ زیان‌دیده در تقلیل خسارت به‌طور مستقل و با عنوان خاص، مورد بررسی تفصیلی قرار نگرفته است. با این حال، بررسی آثار فقهی و حقوقی نشان می‌دهد که این مفهوم به‌طور ضمنی در لابه‌لای مباحث مختلف حقوقی و فقهی مورد توجه بوده است (شعاریان، ۱۳۹۰، ۱۴۶)؛ بنابراین، نمی‌توان حکم صریح و مدونی در خصوص الزام زیان‌دیده به تقلیل خسارت یافت.

با این حال، با تأمل در برخی مصادیق و فروع فقهی مطرح شده در کتب مختلف، به نظر می‌رسد که در حقوق اسلام و به اشارت برخی حقوق‌دانان، در حقوق داخلی ایران نیز، نوعی وظیفهٔ ضمنی بر عهدهٔ زیان‌دیده وجود دارد تا از افزایش خسارات وارده جلوگیری کرده و در جهت کاهش آن تلاش کند.

چنانچه زیان‌دیده از انجام وظیفه خودداری کند، بر مبنای قاعدهٔ مشهور فقهی «اقدام» ممکن است مستحق جبران تمام یا بخشی از خسارات وارده شناخته نشود.

یکی از نمونه‌های رایج و مورد استناد در این زمینه، حالتی است که شخصی دیگری را به عمد یا به تقصیر در آب می‌اندازد؛ اما فرد زیان‌دیده با وجود امکان و توانایی خروج و نجات خویش، هیچ تلاشی برای رهایی از مهلکه نمی‌کند و در نتیجه غرق شده و متحمل خسارت جانی می‌شود. در این وضعیت، بسیاری از فقها معتقدند که مسئولیت نهایی فوت بر عهدهٔ خود فرد غرق شده است؛ زیرا او با عدم اقدام به نجات خویش، عملاً بر ضرر نفس خود اقدام کرده است.

به‌طور مشابه، در مورد شخصی که در آتش گرفتار شده و با وجود امکان رهایی، اقدام به خروج نمی‌کند و در نهایت فوت می‌کند، فقهای عظام نیز دیدگاه‌های مشابه و قابل توجهی ارائه کرده‌اند.

شیخ طوسی در کتاب الخلاف فی الاحکام به این مسئله اشاره نموده و برخی از فقها در این حالت، قصاص را منتفی دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۱۷ق، ۱۶۱).

فقهای امامیه در تبیین این موضوع، استدلال‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند. محقق

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۳۹

۱۴۰۴

۱۱۲

حلی در شرایع الإسلام، علامه حلی در تحریر الأحکام و شهید ثانی در الروضة البهیة تصریح کرده‌اند که در چنین وضعیتی، فرد فوت شده با امتناع از نجات خویش، در حقیقت علیه نفس خود اقدام کرده است (حلی، ۱۴۰۹ق، ۹۷۲؛ حلی، بی تا، ۲۴۱؛ عاملی، ۱۴۱۰ق، ۲۰)؛ به عبارت دیگر، فعل زیان‌بار به خود شخص منتسب می‌شود.

برخی دیگر از فقها، ازجمله علامه حلی در قواعد الأحکام، پا را فراتر نهاده و بیان کرده‌اند که در این وضعیت، فوت مستند به فعل خود شخص است و نه به عمل کسی که او را در آتش افکنده است (حلی، ۱۴۱۳ق، ۵۸۴).

این دیدگاه، رابطه سببیت بین فعل اولیه واردکننده زیان و خسارت نهایی را به دلیل فعل اختیاری و ترک فعل مسبب زیان تضعیف می‌کند.

همچنین، آیت‌الله روحانی در فقه الصادق علیه السلام، شخصی را که در آتش گرفتار شده و با وجود امکان خروج، در آن باقی مانده و سپس فوت کرده است، مانند کسی دانسته‌اند که ابتدا از آتش خارج شده و سپس به اختیار خود دوباره وارد آن شده است. بر اساس این دیدگاه، ایشان حکم به سقوط دیه نیز داده‌اند (حسینی روحانی، ۱۴۱۴ق، ۲۰).

این تشبیه، بر نقش اراده و اختیار زیان‌دیده در تحقق خسارت تأکید دارد. شایان ذکر است که در خصوص تعلق دیه در این مورد، بین فقها دو نظر وجود دارد.

برخی از فقها، ازجمله صاحب جواهر، اعتقاد دارند که در چنین حالتی دیه ساقط نمی‌شود (نجفی، ۱۳۶۷، ۴۲). با این حال، بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه، دیه ساقط می‌گردد. در میان فقهای عامه نیز همین دو نظر مطرح شده است (ابن قدامه، بی تا، ۳۲۶؛ الجزیری، ۱۳۹۲، ۲۷۹).

در مورد مشابه، اگر شخصی دیگری را به آب بیاندازد و خروج از آب برای او ممکن باشد؛ اما به اختیار خود از آن بیرون نیاید و غرق شود، فقهای امامیه، ازجمله محقق حلی در شرایع الإسلام و علامه حلی در قواعد الأحکام، معتقدند که قصاص و دیه هر دو ساقط می‌شوند؛ زیرا فوت او در نتیجه فعل اختیاری و انتخاب خود وی رخ داده است (حلی، ۱۴۰۹ق، ۹۷۲؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ۵۸۵).

به نظر می‌رسد عقیده‌ای که حکم به سقوط دیه در این موارد می‌دهد، از قوت

و استحکام بیشتری برخوردار است و استناد به قاعده اقدام و قاعده تقلیل خسارت می‌تواند این نتیجه را به خوبی توجیه نماید. اگرچه در مثال‌های مذکور به نحو صریح از قاعده تقلیل خسارت نام برده نشده است، لیکن با دقت در عبارات و استدلال‌های فقها، به روشنی می‌توان رد پای این قاعده مهم فقهی را مشاهده نمود.

به عبارت دیگر، فقها با استناد به این مفهوم که شخص خود با ترک فعل و عدم تلاش برای نجات خویش، در وقوع خسارت نقش داشته است، مسئولیت نهایی را متوجه او دانسته و در نتیجه، مسئولیت عامل اولیه زیان و به تبع آن ضمان مالی (دیه) منتفی می‌شود.

در نمونه‌های مذکور فقهی، شخصی که در معرض خطر قرار گرفته است (در مثال فقهی، آتش یا آب مصداق خطر است و در مثال حقوق انگلیس، نقض قرارداد مصداق خطر محسوب شده است)، برای مقابله و کاهش خسارت اقدامی انجام نداده و همین امر سبب شده است که فقها مسئولیت شخصی را که او را در این خطر قرار داده، منتفی بدانند. در حقیقت، شخصی که در خطر قرار گرفته و با وجود توانایی خروج، همچنان در آن باقی مانده است، به زیان خود اقدام کرده و شرایط اعمال قاعده اقدام مهیا می‌شود.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۳۹
۱۴۰۴

۱۱۴

در این میان، دو عنصر اختصاصی قاعده تقلیل خسارت نیز وجود دارد: نخست آنکه شخص در خطر قرار گرفته است (مشابه وضعیت نقض قرارداد) و دوم آنکه امکان خروج از خطر را داشته است؛ بنابراین، زمینه برای اعمال قاعده تقلیل خسارت نیز فراهم است.

همان‌طور که بیان شد، قاعده تقلیل خسارت علاوه بر آنکه ارکان قاعده اقدام را در خود دارد، دو رکن اضافی نیز برای آن شرط شده است. بر این اساس، می‌توان گفت که مبنای قاعده تقلیل خسارت، قاعده اقدام است و این قاعده یکی از جنبه‌های قاعده اقدام محسوب می‌شود (شعاریان، ۱۳۹۰، ۱۴۸) که کمتر مورد توجه فقها قرار گرفته است؛ زیرا فقها قاعده اقدام را بیشتر در مورد فعل مثبت به کار برده‌اند تا فعل منفی و ترک فعل. از این رو، می‌توان گفت که قاعده تقلیل خسارت، همان قاعده اقدام در موارد ترک فعل و نقض تعهد است.

۴/۲. روایت قاعدهٔ تقلیل خسارت در حقوق داخلی

در حقوق داخلی، در حال حاضر قاعده‌ای صریح تحت عنوان تقلیل خسارت وجود ندارد. مادهٔ ۴ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند میزان خسارت را در این مورد تخفیف دهد: هرگاه پس از وقوع خسارت واردکننده زیان به نحو مؤثری به زیان‌دیده کمک و مساعدت کرده باشد».

بر اساس این ماده، میزان خسارت دریافتی خواهان ممکن است کاهش یابد؛ اما این کاهش به سبب رفتار خود زیان‌دیده نیست، بلکه ناشی از رفتاری است که خواننده (واردکننده زیان) انجام داده است.

با این حال، برخی حقوق‌دانان معتقدند که «با استفاده از ملاک این مادهٔ قانونی می‌توان گفت که این ماده در حقوق قراردادها نیز جاری است؛ یعنی خواهان نباید بیکار بنشیند و شاهد ورود ضرر به خود باشد و تا حدی که خسارات قابل اجتناب بوده است، از خواننده نمی‌تواند مطالبهٔ خسارت نماید» (داراب‌پور، ۱۳۷۷، ۱۲۵).

هرچند روشن نیست که چگونه از مادهٔ ۴ چنین استنباطی شده است.

همچنین، مادهٔ ۱۵ قانون بیمهٔ سابق (۱۳۱۶) به‌طور صریح به قاعدهٔ تقلیل خسارت اشاره داشته است: «بیمه‌گذار باید برای جلوگیری از خسارت، مراقبت‌هایی را که عادتاً هر کسی از مال خود می‌نماید، نسبت به موضوع بیمه نیز انجام دهد و در صورت نزدیک شدن حادثه یا وقوع آن، اقداماتی را که برای جلوگیری از سرایت و توسعهٔ خسارت لازم است به عمل آورد؛ وگرنه بیمه‌گر مسئولیتی نخواهد داشت».

این ماده نمونه‌ای از پذیرش ضمنی قاعدهٔ تقلیل خسارت در حقوق داخلی ایران است، هرچند گسترهٔ آن محدود به حوزهٔ بیمه بوده و در سایر موارد حقوقی صراحتاً پذیرفته نشده است.

۵. جریان قاعدهٔ اقدام در حقوق کامن‌لا

اصولاً، خواهان حق مطالبهٔ خسارتی را دارد که به‌طور طبیعی و صرفاً بر اثر تخلف از قانون ایجاد شده است. وی نمی‌تواند خساراتی را مطالبه کند که ناشی از بی‌اقدامی خود اوست. زمانی که خواهان مشاهده می‌کند مالش در معرض تضییع قرار گرفته

است؛ اما اقدام مناسبی انجام نمی‌دهد، علیه خود اقدام کرده است. به بیان دیگر، قاعده اقدام می‌تواند از طریق بی‌اقدامی نیز جریان پیدا کند (Mason Hayes Curran, 2025). به عنوان مثال، وقتی شخص متوجه می‌شود که به دنبال نقض قرارداد از سوی متعهد، اموالش در معرض تضییع یا از بین رفتن هستند؛ اما هیچ اقدام مناسبی برای جلوگیری از زیان انجام نمی‌دهد، تمام عناصر قاعده اقدام محقق شده است.

این وضعیت مشابه حالتی است که شخصی در آتشی گرفتار شده که دیگری برافروخته و با وجود امکان خروج از مهلکه، اقدامی نمی‌کند. در چنین حالتی نیز، مسئولیتی برای فاعل اولیه زیان وجود نخواهد داشت (Hall, 2023).

برای نمونه، اگر خواننده عرضه‌کننده کالا یا خدمات باشد و در تحویل یا رساندن آن کوتاهی کند، متعهدله حق ندارد منفعل بماند، به‌ویژه در شرایطی که قیمت‌ها در بازار در حال افزایش است. در این وضعیت، زیان‌دیده باید اقدام معقولی انجام دهد، مانند مراجعه سریع به بازار و خرید کالای هم‌نوع یا خدمات جایگزین.

نمونه دیگر مربوط به قرارداد ساخت‌وساز است: فرض کنید مالک زمین و پیمانکار قراردادی برای ساخت خانه به مبلغ پنج میلیارد تومان منعقد کرده‌اند. پیمانکار شروع به ساخت خانه می‌کند؛ اما مالک به‌طور غیرقانونی قرارداد را قبل از پایان کار فسخ می‌کند. اگر پیمانکار برای دریافت مبلغ پرداخت‌نشده شکایت کند؛ اما خود اقدامی برای کاهش زیان آتی نکرده باشد، دادگاه ممکن است میزان خسارت قابل جبران را کاهش دهد. به عنوان مثال، پیمانکار می‌توانست مصالح خریداری شده را بفروشد یا از آن در پروژه دیگری استفاده کند.

در حقوق کامن‌لا، قاعده تقلیل خسارت نمونه‌های متفاوتی دارد که برخی از آن‌ها به وضوح شکل قاعده اقدام به خود می‌گیرند. برای مثال: اگر پیمانکار پس از انجام پروژه بخواهد ایرادات جزئی را رفع کند، کارفرما موظف است منطقی و معقول رفتار کند و در صورت لزوم، اجازه انجام این اقدامات را به پیمانکار بدهد. یا اگر پروژه نیاز به تعمیر داشته باشد و پیشنهاد پیمانکار برای تعمیر کمتر از نظر کارشناسان دیگر باشد، کارفرما باید منطقی عمل کرده و در صورت معقول بودن،

پیشنهاد پیمانکار را بپذیرد (Chitty, 2023, 4081).

در این موارد، چنانچه کارفرما منطقی و معقول عمل نکند و زیانی وارد شود، پیمانکار مسئول جبران خسارت مازاد نخواهد بود. این وضعیت در واقع ارکان قاعده اقدام را نیز در خود دارد: اولاً، ترک فعل آگاهانه‌ای صورت گرفته و ثانیاً زیان به اموال خواهان وارد شده است.

با این حال، نکته مهم این است که تعداد ارکان قاعده اقدام کمتر از قاعده تقلیل خسارت است؛ بنابراین ممکن است در برخی پرونده‌های خارجی، به دلیل نبود همه ارکان قاعده تقلیل خسارت، دادگاه خواهان را مستحق جبران خسارت بداند؛ اما در حقوق داخلی و با استناد به قاعده اقدام، خواهان مستحق جبران خسارت نشود؛ به عبارت دیگر، قاعده اقدام به صورت گسترده و با حدود کامل فقهی خود در حقوق کامن لا جریان ندارد.

نتیجه

قاعده اقدام که یک قاعده بومی و مبتنی بر مبانی عقلایی است، می‌تواند مبنای برخی از قواعد حقوقی خارجی، از جمله قاعده تقلیل خسارت، قرار گیرد. از سوی دیگر، قاعده تقلیل خسارت را می‌توان یکی از جلوه‌های قاعده اقدام دانست که علاوه بر دارا بودن ارکان این قاعده، شرایط اختصاصی خود را نیز شامل می‌شود. دادگاه‌ها می‌توانند در مواردی که شرایط تحقق قاعده تقلیل خسارت فراهم است، آرای خود را بر اساس آن صادر کنند؛ زیرا همان‌طور که بیان شد، تمامی ارکان قاعده اقدام در این قاعده نیز وجود دارد و افزون بر آن، شرایط دیگری نیز در نظر گرفته شده است. از این رو، استناد مستقیم به قاعده تقلیل خسارت نیز فاقد وجهت قانونی نخواهد بود و می‌تواند مستند رأی دادگاه قرار گیرد. همچنین، در برخی موارد که اثبات جریان قاعده اقدام مشکل یا ممتنع است، مانند موارد ترک فعل، استناد به قاعده تقلیل خسارت می‌تواند راهگشا باشد.

منابع

کتاب‌های فارسی و عربی

- ابن قدامه، أبو محمد موفق الدین عبد الله. (بی تا). **المغنی**. بیروت: دارالکتاب العربی.
- حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی). (۱۴۰۹ق). **شرایع الاسلام**. قم: نشر امیر.
- حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی). (۱۴۱۳ق). **قواعد الاحکام**. قم: نشر اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی). (بی تا). **تحریر الاحکام**. مشهد: مؤسسه آل بیت علیهم السلام.
- زارعی سبزواری، عباس. (۱۴۳۰ق). **القواعد الفقهیه فی فقه الإمامیه**. قم: جماعة المدرسین.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۷ق). **خلاف**. قم: نشر اسلامی.
- مراغه‌ای، میرفتاح. (۱۴۱۸ق). **العناوین**. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۷). **جواهر الکلام**. چاپ دوم، بی جا: دارالکتب اسلامی.
- الجزیری، عبدالرحمن. (۱۳۹۲). **الفقه علی المذاهب الاربعه**. بیروت: بی نا.
- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی). (۱۴۱۰ق). **شرح لمعه**. قم: نشر داوری.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۴۰۲). **الفارق (دایره المعارف عمومی حقوقی)**. چاپ هفتم، تهران: گنج دانش.
- کرکی عاملی، علی بن حسین (محقق ثانی). (۱۴۱۴ق). **جامع المقاصد فی شرح القواعد**. چاپ سوم، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱ق). **القواعد الفقهیه**. چاپ دوم، قم: مدرسه الامام الامیرالمومنین علیه السلام.
- حسینی روحانی، محمد صادق. (۱۴۱۴ق). **فقه الصادق**. چاپ سوم، قم: مؤسسه دار الکتاب.
- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۸۱). **قواعد فقه بخش مدنی**. تهران: نشر علوم اسلامی.
- خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). **مبانی تکمله المنهاج**. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- داراب پور، مهرباب. (۱۳۷۷). **قاعده مقابله با خسارات**. تهران: گنج دانش.

جستارهای فارسی

- علیدوست، ابوالقاسم؛ بای، حسینعلی. (۱۳۹۱). معیار ضمان، **فقه اهل بیت**. ۱۸ (۷۰ و ۷۱).
- ذیحی، عاطفه. (۱۴۰۱). شاخص های اتقان آرای قضایی مستند به اسناد بین المللی؛ با تأکید بر آرای دعاوی خانواده، **مجله حقوقی**، ۸۶ (۱۲۰)، ۱۲۱-۱۲۵.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال یازدهم، شماره پیاپی ۳۹
۱۴۰۴

۱۱۸

شعاریان، ابراهیم؛ مولایی، یوسف. (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی مبانی قاعده تقلیل خسارت، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۱(۲)، ۱۳۱-۱۵۵.

سلمانزاده، جعفر؛ مسجدسرای، حمید. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی شرایط اعمال و اجرای قاعده مقابله با خسارت در نظام حقوقی ایران و آمریکا، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۸(۳)، ۱۳۹-۱۶۶.

1. Treitel, G.H., (1990) Law of Contract, Law of Contract, 9th ed, London, Sweet & Maxell.
2. Chitty on Contracts., (2023), volumes 1 & 2, 35th ed. London, Sweet & Maxwell.
3. Lando, Ole & Hugh Beale., (2000), Principles of European Contract Law, Kluwer Pub.
4. Schlechtriem. P., Schwenzer. I., (2005), Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG), New York: Oxford, 2nd edition.
5. Jorge Oviedo-Albán., (2018). Mitigation of Damages for Breach of Contract for the International Sale of Goods, Universitas, 2018, no. 137, ISSN: 0041-9060.
6. Smith, J., (2020). Commercial Law. Publisher Name. City, State.
7. Rogers (W.V.H)., (1995) Winfield and Jlowicz on Torts, 4th ed, Sweet and Maxwell;

English paper

Goetz, C. J., & Scott, R. E., (1983). The Mitigation Principle: Toward a General Theory of Contractual Obligation. Columbia Law Review, 83(5), 967-1024.

Al-Kaabi., (2004). The victim's duty to mitigate loss: comparative observations and a proposed approach for the CISG. *German Journal of Comparative Law*, 12(2), 197-230

English Cases

BNSF Railway Co. v. Tyco Fire & Protection Products, 569 U.S. 97 (2013).

Decker v., Turner Construction Co., 22 F. Supp. 3d 1138 (S.D.N.Y. 2014).

Made in the USA Foundation v. U.S. Department of Commerce, 790 F.3d 1169 (D.C. Cir. 2015).

British Westinghouse Electric and Manufacturing Co Ltd v Underground Electric Railways Co of London Ltd, 1912, AC 673 (HL).

Payzu Ltd v Saunders, 1919, 2 KB 581.

English websites

Mason Hayes Curran. (2025). Mitigation of Damages. <https://www.mhc.ie/glossary/mitigation-of-damages>

Legal Information Institute. (2020). *Mitigation of damages*. Cornell Law School. <https://>

www.law.cornell.edu/wex/mitigation_of_damages

LexisNexis. (2025). *Mitigation in contractual breach claims*. <https://www.lexisnexis.co.uk/legal/guidance/mitigation-in-contractual-breach-claims>

Hall, A. (2023). *Duty to mitigate damages in contract breaches*. <https://aaronhall.com/duty-to-mitigate-damages-in-contract-breaches/>

Farrer & Co. (2021). *Contractual interpretation – the “duty” of mitigation*. <https://www.farrer.co.uk/news-and-insights/contractual-interpretation--the-duty-of-mitigation-and-capping-contractual-liability/>

References

Ibn Qudāmah al-Maqdīsī, Muwaffaq al-Dīn Abū Muḥammad ‘Abdullāh b. Aḥmad b. Muḥammad. n.d. *Al-Mughnī wa al-Sharḥ al-Kabīr*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Arabī.

al-Ḥillī, Ja‘far Ibn al-Ḥasan (al-Muḥaqqiq al-Ḥillī). 1988/1409. *Sharā‘i‘ al-Islām fī Masā‘il al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. 2nd. Edited by ‘Abd al-Ḥusayn Muḥammad ‘Alī Baqqāl. Qom: Nashr Umīd.

al-Ḥillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-‘Allāma al-Ḥillī). 1992/1413. *Qawā‘id al-Aḥkām fī Ma‘rifat al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. Qom: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.

al-Ḥillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-‘Allāma al-Ḥillī). n.d. *Tahrīr al-Aḥkām al-Shar‘īyat ‘Alā Madhhab al-Imāmīyah*. Mashhad: Mu‘assasat Āl al-Bayt li Ihya‘ al-Turāth.

Zārī‘ī Sabzawārī, ‘Abbās‘alī. 2009/1430. *Al-Qawā‘id al-Fiqhīyat fī Fiqh al-Imāmīyah*. Qom: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.

Al-Ṭūsī, Abū Ja‘far Muḥammad Ibn Ḥassan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 2006/1427. *Kitāb al-Khilāf*. Qum: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.

Al-Marāghī, ‘Abd al-Fattāḥ. 1996/1417. *Al-Anāwīn al-Fiqhīyah*. Qom: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.

al-Najafī, Muḥammad Ḥasan. 1988/1367. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā‘i‘ al-Islām*. 2nd. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.

Al-Jazīrī, ‘Abd al-Raḥmān ibn Muḥammad; al-Qharawī Sayyid Muḥammad. 1999/1419. *Al-Fiqh ‘Alā al-Madhāhib al-Arba‘at wa Madhhab Ahl al-Bayt*. Beirut: Dār al-Thaqalayn.

al-‘Āmilī, Muḥammad Ibn Makkī (al-Shahīd al-Awwal). 1989/1410. *Al-Rawḍat al-Bahīyat fī Sharḥ al-Lum‘at al-Dimashqīyya fī Fiqh al-Imāmīyya*. Maktabat al-Dāwarī.

Ja‘farī Langarūdī, Muḥammad Ja‘far. 2023/1402. *Al-Fāriq*. 7th. Tehran: Ganj Dānish.

al-‘Āmilī al-Karakī, ‘Alī Ibn al-Ḥusayn (al-Muḥaqqiq al-Karakī, al-Muḥaqqiq al-

Thānī). 1993/1414. *Jāmi' al-Maqāṣid fī Sharḥ al-Qawā'id*. 2nd. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Ihya' al-Turath. Al-Qawā

Makārim Shīrāzi, Nāṣir. 1990/1411. *Al-Qawā'id al-Fiqhīyah*. 3rd. Qom: Madrasī-yi Imām 'Alī Ibn Abī Ṭālib.

al-Ḥusaynī al-Rawḥānī, al-Sayyid Ṣadiq. 1993/1414. *Fiqh al-Ṣādiq*. 3rd. Qom: Mu'assasat Dār al-Kitāb.

Muḥaqqiq Dāmād, Sayyid Muṣṭafā. 2002/1381. *Qawā'id-i Fiqh*. . Tehran: Makaz-i Nashr-i 'Ulūm-i Islāmī.

al-Mūsawī al-Khu'ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 2001/1422. *Mabānī Takmilat al-Minhāj*. Qom: Mu'assasat Ihya' Āthār al-Imām al-Khu'ī.

DārābPūr, Mihrāb. 1998/1377. *Qā'idih-yi Muqābilih bā Khisārāt*. Tehran: Ganj-i Dānish.

'Alīdūst, Abulqāsim; Bāy, Ḥusayn'alī. 2022/1391. *Mi'yār-i Ḍimān*. Fiqh-i Ahl al-Bayt, 18, 70, 71.

Muḥaqqiq Dāmād, Sayyid Muṣṭafā; Ja'farī Khusru Ābādī, Naṣrullāh. 2010/1389. *Barrasī-yi Qā'idih-yi Muqābilih bā khisārat bar Asās-i Fiqh-i Islāmī wa Ḥuqūq-i Mawḍū'ih-yi Īrān*. Majalīh-yi Fiqh wa Mabānī-yi Ḥuqūq-i Islāmī, 43, 2, 103-118.

Dhabīḥī, 'Āṭifih. 2022/1401. *Shākhiṣ-hāyi Itqān-i Ārā-yi Qaḍāyī Mustanad bih Asnād-i Bayn al-Milālī; bā Ta'kīd bar Ārā-yi Da'āwī-yi Khāniwādih*. Majalīh-yi Ḥuqūqī, 86, 120, 121-125.

Sha'arīyān, Ibrāhīm; Mawlayī, Yūsuf. 2011/1390. *Muṭālī'ih-yi Taṭbīqī-yi Mabānī-yi Qā'idih-yi Taqlīl-i Khisārat*. Nashrīyah-yi Muṭālī'āt-i Ḥuqūq-i Taṭbīqī-yi Mu'āṣir, 1, 2, 131-155.

Salmān Zādiḥ, Ja'far; Masjid Sarāyī, Ḥamīd. 2021/1400. *Barrasī-yi Taṭbīqī-yi Sharāyīṭ-i I'māl wa Ijra-yi Qā'idih-yi Muqābilih bā Khisārat dar Nizām-i Ḥuqūq-i Īrān wa Āmrīkā*. Faṣlnāmih-yi Pazhūhish-i Taṭbīqī-yi Ḥuqūq-i Islām wa Gharb, 8, 3, 139-166.

Treitel, G.H., (1990) *Law of Contract*, 9th ed, London, Sweet & Maxell.

Cheshire G.H. & Fifoot C.H.S., (1972), *Law of Contract*, 8th ed, London, Butterworth. *Chitty on Contracts*, (2023), volumes 1 & 2, 35th ed. London, Sweet & Maxwell.

Lando, Ole & Hugh Beale (2000), *Principles of European Contract Law*, Kluwer Pub.

Schlechtriem. P., Schwenzer. I., (2005), *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)*, New York: Oxford, 2nd edition.

Jorge Oviedo-Albán, (2018). *Mitigation of Damages for Breach of Contract for the International Sale of Goods*, Vniversitas, 2018, no. 137, ISSN: 0041-9060.

Smith, J. (2020). Commercial Law. Publisher Name. City, State.

Rogers (W.V.H), (1995) Winfield and Jlowicz on Torts, 4th ed, Sweet and Maxwell;

Mitigation of Damages: What It Is and How It Works” by Investopedia.

Goetz, C. J., & Scott, R. E. (1983). The Mitigation Principle: Toward a General Theory of Contractual Obligation. *Columbia Law Review*, 83(5), 967-1024.

Al-Kaabi. (2004). The victim’s duty to mitigate loss: comparative observations and a proposed approach for the CISG. *German Journal of Comparative Law*, 12(2), 197-230.

Made in the USA Foundation v. U.S. Department of Commerce, 790 F.3d 1169 (D.C. Cir (2015).

BNSF Railway Co. v. Tyco Fire & Protection Products, 569 U.S. 97 (2013).

Decker v. Turner Construction Co., 22 F. Supp. 3d 1138 (S.D.N.Y. 2014).

Made in the USA Foundation v. U.S. Department of Commerce, 790 F.3d 1169 (D.C. Cir. 2015).

British Westinghouse Electric and Manufacturing Co Ltd v Underground Electric Railways Co of London Ltd [1912] AC 673 (HL)

Payzu Ltd v Saunders [1919] 2 KB 581

Mason Hayes Curran. (2025). Mitigation of Damages. <https://www.mhc.ie/glossary/mitigation-of-damages>

Legal Information Institute. (2020). *Mitigation of damages*. Cornell Law School. https://www.law.cornell.edu/wex/mitigation_of_damages

LexisNexis. (2025). *Mitigation in contractual breach claims*. <https://www.lexisnexis.co.uk/legal/guidance/mitigation-in-contractual-breach-claims>

Hall, A. (2023). *Duty to mitigate damages in contract breaches*. <https://aaronhall.com/duty-to-mitigate-damages-in-contract-breaches/>

Farrer & Co. (2021). *Contractual interpretation – the “duty” of mitigation*. <https://www.farrer.co.uk/news-and-insights/contractual-interpretation--the-duty-of-mitigation-and-capping-contractual-liability/>